

## فرصت ها و ملزومات دیپلماسی فرهنگی در فرآیند کرونا

دکتر محمدرضا دهشیری<sup>۱</sup>

زهرا بهرامی<sup>۲</sup>

### چکیده

در نظام بین الملل آنتروپوسین، انسان به عنوان بازیگر قدرتمندی در طبیعت محسوب می شود که اثرگذاری بالایی بر روی وضعیت زیستی آن دارد. در این شرایط با توجه به افزایش نیازهای بشریت به منابع طبیعی و برآوردهای فعالیت بر روی زمین، فهم و ارزیابی هرگونه تحول مثبت و منفی نیازمند درک رابطه انسان با طبیعت است. در عصر آنتروپوسین کنونی، با وقوع بحران های مختلف امنیتی از جمله امنیت انسانی در حوزه بیماری های فراگیر، توجه به تعاملات میان انسان ها و دولت ها به عنوان بازیگران تعیین کننده وضعیت همکنشی اهمیت بسزایی دارد. در این راستا با شیوع ویروس کرونا و جهانی شدن این بحران امنیتی، دیپلماسی فرهنگی در قالب شکلی از همکنشی فراملی می تواند در سیستم پیچیده از وابستگی متقابل امنیتی در تنظیم روابط میان بازیگران دولتی و غیردولتی در جهت اهداف ملی و سیاست خارجی با محوریت سود متقابل مورد توجه واحدهای سیاسی قرار بگیرد. در این پژوهش این سؤال بررسی می شود که دیپلماسی فرهنگی در نظام آنتروپوسین، بحران کرونا، بر چه ملزوماتی استوار است و چه فرصت هایی را در اختیار کشورها در جهت برآورد منافع ملی قرار می دهد. در ادامه با بهره مندی از روش جمع آوری داده های کتابخانه ای و اینترنتی این امر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت که دیپلماسی فرهنگی با ایجاد زمینه برای تعامل چارچوب مند و هدفمند در دوران کرونا و پساکرونا این فرصت را به واحدهای سیاسی می دهد تا ضمن ایجاد تغییرات شناختی، با ارائه سبک نوینی از مدل رفتاری در قالب استانداردهای بین المللی در حکمرانی جهانی ایفای نقش نمایند.

**کلیدواژگان:** امنیت زیست محیطی، تغییرات شناختی، حکمرانی جهانی، دیپلماسی فرهنگی و نظام آنتروپوسین.

<sup>۱</sup> عضو هیئت علمی دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه

mohammadreza\_dehshiri@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

mohajer561@yahoo.com

## مقدمه

نظام جهانی آنتروپوسین<sup>۳</sup>، متمرکز بر افزایش نقش و فعالیت انسان در طبیعت و اثرگذاری بر پدیده‌ها و تحولاتی است که در زیست محیط رخ می‌دهد. این وضعیت پس از انقلاب صنعتی شکل گرفته و با افزایش جمعیت کره زمین و تقابل بیش از پیش بازیگران مختلف برای افزایش قدرت چندوجهی و ایفای نقش جهانی، تشدید یافته است. در نظام آنتروپوسین انسان با بحران‌ها و تهدیدات امنیتی مختلف امنیتی در حوزه زیستی- بهداشتی مواجه می‌شود که نمایانگر افزایش وابستگی متقابل بازیگران در سطوح و ابعاد مختلف همکنشی به یکدیگر است. این تهدیدات نوین با آنکه ممکن است ماهیت غیرنظامی داشته باشد می‌تواند «امنیت وجودی» ملت‌های مختلف را تهدید نماید و خسارت مادی و معنوی بسیاری بر آن‌ها تحمیل نماید.

در این فضای درهم تنیدگی امنیتی چندبعدی، شیوع بحران کرونا به عنوان یک بیماری عفونی فراگیر توجه و تأکید بر همکاری و تعامل را با مدیریت و هوشیاری بیشتر را نمایان نمود. دیپلماسی فرهنگی به عنوان وجه فرهنگی، ادبی، هنری و فناوری تعاملات دولت برای اهداف و منافع ملی، شکل قابل توجهی از تعاملات هدفمند و چارچوب‌مند است که در این پژوهش تلاش می‌شود به این سؤال پرداخته شود که دیپلماسی فرهنگی در نظام آنتروپوسین، بحران کرونا، بر چه ملزوماتی استوار است و چه فرصت‌هایی را در اختیار کشورها در جهت برآورد منافع ملی قرار می‌دهد. در ادامه با بهره‌مندی از روش جمع‌آوری داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی این امر مورد مذاقه قرار خواهد گرفت که دیپلماسی فرهنگی با ایجاد زمینه برای تعامل چارچوب‌مند و هدفمند در دوران کرونا و پساکرونا این فرصت را به واحدهای سیاسی می‌دهد تا ضمن ایجاد تغییرات شناختی، با ارائه سبک نوینی از مدل رفتاری در قالب استانداردهای بین‌المللی در حکمرانی جهانی ایفای نقش نمایند.

لازم به ذکر است، بررسی ملزومات و فرصت‌های دیپلماسی فرهنگی در فرآیند بحران کرونا، از آنجایی که یکی از مهم‌ترین سازوکارهای دستگاه سیاست خارجی برای برآورد اهداف ملی است، می‌تواند آن‌ها را در ایجاد، طراحی، اعمال و ارزیابی کنش‌ها و همکنشی‌های فرهنگی در قالب دیپلماسی، در راستای کسب، حفظ و نمایش قدرت به

<sup>3</sup>Anthropocene

ویژه در حوزه نرم‌افزاری در نظام آنتروپوسین راهنمایی کند. باید تأکید نمود در این فضا، درک فرصت‌ها و ملزومات دیپلماسی فرهنگی است که به بازیگران امکان ارائه تصویر صحیح از خود، گفتمان و روایت مشخصی را برای ایجاد قواعد رفتار ساز ارائه می‌دهد.

### پیشینه ادبیات

در طی چند ماهی که از انتشار ویروس کرونا در سطح بسیاری از دولت‌ها گذشته و به یک مشکل جهانی تبدیل شده است، آثار و ادبیات مختلفی به رشته تحریر درآمده‌اند که بیشتر در قالب سایت‌های خبری و تحلیلی است. با این حال یکی از مهم‌ترین آثار مورد توجه در درک عصر کنونی مقاله با عنوان «انسان شناسی: سفر به یک دوره جدید زمین شناسی»<sup>4</sup> می‌باشد. نویسنده با اشاره به تأثیرگذاری عمیق انسان بر طبیعت، تبیین می‌کند که چرا این دوره، عصر انسان شناسی، نامیده می‌شود (Yeo, 2016). در مقاله‌ای با عنوان «جهان پس از کرونا ویروس چگونه خواهد بود؟ آیا همه‌گیری جهان را برای همیشه تغییر خواهد داد؟» نظر ۱۲ متفکر پیشرو جهانی در خصوص پیش‌بینی وضعیت پساکرونا، تبیین شده است. با اینکه بیشتر آن‌ها معتقدند نظام جهانی پساکرونا دولت نقش مهمی را بر عهده خواهد داشت و ممکن است وضعیت به سمت ناسیونالیسم محوری پیش برود، برخی نیز بر این نظر هستند که جهان و به ویژه سیستم لیبرال دموکراسی خود را با وضعیت جدید انطباق خواهد داد در صورتی که برخی نیز معتقدند استراتژی کشورهای به ویژه قدرت‌های بزرگ از این پس باید با توجه به بحران‌های جهانی چون شیوع بحران‌های بهداشتی، امنیتی و سیاسی تنظیم شود (https://foreignpolicy.com/2020/03/20). مقام معظم رهبری در سخنرانی‌های اخیر به ویژه پس از ایام نوروز بر این امر تأکید داشتند که شیوع بحران کرونا، یک آزمون جهانی برای همگان است که می‌تواند در کنار آسیب‌هایی که به انسان و نظام جهانی وارد نماید، فرصت‌هایی برای دولت‌ها فراهم نماید تا خود و تمدن خویش را به عرصه جهانی معرفی نمایند (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۲۱ فروردین ۱۳۹۹). با این حال در این

<sup>4</sup> Anthropogenic: The journey to a new geological epoch

پژوهش در صدد هستیم، ضمن تبیین و وضعیت نظام بین الملل آنتروپوسین و اشاره به بحران کرونا، تبیین نمائیم دیپلماسی فرهنگی در قالب تعاملات فراملی دولتی و غیردولتی بر چه ملزوماتی استوار است و اجرای دیپلماسی فرهنگی می تواند چه فرصت هایی را به واحدهای سیاسی برای دستیابی به اهداف و منافع ملی در نظام وابستگی متقابل و پیچیده جهانی ارائه دهد.

#### ۱. چارچوب تحلیلی - مفهومی: امنیت زیست محیطی در نظام آنتروپوسین

پس از انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ و به مرور زمان با افزایش توان علمی، فناوری و نوآوری، بشر توانست در مقابل طبیعت بر قدرت خود بیافزاید. عملکرد انسان بر روی کره زمین در تعامل با طبیعت همیشه و در همه موقعیت های زمانی و مکانی به یک شکل نبوده و در برخی از موقعیت ها استفاده بشر به سوء استفاده از قدرت در این حوزه برای نابودی طبیعت تبدیل شده است. افزایش جمعیت و لزوم استفاده از زیستگاه طبیعی برای ایجاد مسکن، شغل، درآمد و ... در کنار تمایل انسان برای افزایش قدرت، ایجاد امنیت غذایی و بهداشتی، استفاده از منابع طبیعی برای اهداف سیاسی و ... از جمله عوامل تهدید کننده طبیعت هستند که تمایل انسان برای مبارزه جهت دستیابی به منابع کمیاب را نمایان می سازد.

رفتار قدرت طلبانه و اعمال قدرت توسط انسان در مقابل طبیعت و تلاش برای افزایش بهره مندی از آن برای افزایش قدرت در ابعاد مختلف موجب شده، دانشمندان و زمین شناسان این دوره را «عصر آنتروپوسین یا عصر انسان ها» می نامند. دورانی که سرآغاز تأثیر عمده فعالیت های انسان بر اکوسیستم و ساختار زمین شناختی سیاره است. آنتونیو استوپانی<sup>۵</sup> غالباً به عنوان اولین شخصی معرفی می شود که نشان می دهد عصر زمین شناسی فعلی با توجه به ردپای انسان در هر جای طبیعت از جمله مسیرهای جریان آب، کوه های مین گذاری شده، اقیانوس های نابود شده و شهرهای ایجاد شده، باید با تأثیر انسان ها تعریف شود. در همین چارچوب است که جوزف لو کنته<sup>۶</sup>، زمین شناس آمریکایی، تصور می کرد که جدیدترین دوره زمانی را باید «عصر روانی و یا عصر مغزها» نامید. وی بیان داشت: «سن انسان ... با سلطنت ذهن مشخص می شود». او

<sup>5</sup> Antonio Stoppani

<sup>6</sup> Joseph Le Conte

معتقد بود که بشر به عنوان «عامل اصلی تحول» در دنیای طبیعی مبدل و باعث انقراض گونه‌های بزرگ گوناگون شده است. در سال ۱۹۲۲، الکسی پاولوف دانشمند روس پیشنهاد کرد که دوران زمین شناسی فعلی را باید «مردم شناسی» نامید (Yeo, 2016). اصطلاح آنتروپوسین، همچنین توسط دانشمندان شوروی در اوایل دهه ۱۹۶۰ برای اشاره به کواترنری<sup>۷</sup> جدیدترین دوره زمین شناسی استفاده شد و سپس در آثار بسیاری از دانشمندان مورد توجه و تأکید قرار گرفت. آنتروپوسین دورانی است که در آن فعالیت‌های انسان باعث شده توانایی کره زمین برای نظم بخشی به خود در معرض خطر قرار گیرد (https://dictionary.abadis.ir/2019/04/25). ایده‌ی اصلی چنین ادعایی این است که وارد دوره‌ای در تاریخ زمین شناسی شده‌ایم که در آن انسان‌ها اصلی‌ترین عامل، یا حتی عامل مسلط تغییرات در اکوسیستم زمین در تاریخ طبیعی ساختار زمین هستند. در همه‌ی تاریخ طبیعی، هیچ گونه‌ای دیگری از نظر تسلط بر زمین حتی نزدیک به بشر امروز هم نبوده است (وایتزمن، ۱۳۹۵: ۲۴۷-۲۴۸). آنتروپوسین، دوره‌ای می‌باشد که بشر آغاز به بهره‌گیری انبوه از سوخت‌های فسیلی کرده و فعالیت‌های صنعتی و اقتصادی آن، به طور مؤثر و چشمگیری وضعیت اقلیمی و زیستی سیاره را تغییر داده است. در این دوره جمعیت زمین از کمتر از یک میلیارد نفر به بیش از ۷ میلیارد نفر رسیده و مصرف مواد اولیه افزایش بسیار شتابناکی داشته است. فناوری‌های بسیاری پا به عرصه وجود گذاشته‌اند. جنگ‌های بزرگی در گرفته است. بنگاه‌های اقتصادی از شکل محلی خود خارج شده‌اند و به صورت شرکت‌های بزرگ چند ملیتی نظام اقتصادی جهان را دگرگون کرده‌اند (یوسف زاده، ۱۳۹۷). امروزه انسان‌ها حدود نیمی از زمین‌های غیر یخ‌زده سیاره را عمدتاً برای مراتع چرای محصولات زراعی و جنگل‌داری مصنوعی استفاده می‌کنند؛ از میان زمین‌هایی که زمانی با جنگل‌ها پوشیده شده بودند، ۲۰ درصد برای استفاده انسان تغییر یافته‌اند. جمعیت خیلی از پستانداران، دوزیست‌ها و پرندگان، تنها در طی ۴۰ سال گذشته، بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است. بیش از ۱۰۰ گونه از این گروه‌ها در قرن ۲۰م و حدود ۷۸۵ گونه از سال ۱۵۰۰ انقراض یافته‌اند (صادقی، ۱۳۹۸: ۳).

<sup>۷</sup> کواترنری بخشی از زمان بندی زمین شناسی است که در انتهای عصر نوزیستی قرار دارد. دوران کواترنری از حدود دو و نیم میلیون سال پیش آغاز شده است.

با توجه به اثرگذاری انسان بر محیط زیست و ایجاد بحران‌های محیطی در این حوزه، باید اشاره داشت، بحث امنیت زیستی - بهداشتی موضوع محوری است که با امنیت وجودی انسان‌ها در ارتباط می‌باشد و امروزه بیش از گذشته، با رهایی از تمرکز بر سیاست‌ها و سفلا مورد توجه بازیگران سیستم جهانی است. امنیت زیست محیطی یکی از پنج بعد نوین امنیتی است که توسط «مکتب کپنهاگ»<sup>۸</sup> مطرح شد. در این مکتب، امنیت، برابر با رهایی از تهدید است و امنیت در نبود مسئله‌ی دیگری به نام تهدید درک می‌شود (عبداله خانی، ۱۳۹۲: ۱۲۲). مکتب کپنهاگ با طرح امنیت پنج بعدی و خطر گسترش موضوعات امنیتی در محورهای پنج‌گانه از جمله نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی، تلاش نموده تا اهداف مرجع امنیت را در هر یک از بخش‌ها تبیین نماید، برای این منظور از مفاهیم «بقاء»<sup>۹</sup> و «تهدید وجودی»<sup>۱۰</sup> استفاده کرده است. مفهوم تهدید وجودی ناظر بر تهدیداتی است که موجودیت موضوع مورد نظر را به مخاطره می‌اندازد و آن را با خطر اضمحلال، تخریب و یا آسیب جدی روبه‌رو می‌سازد. در بخش زیست محیطی، هدف مرجع مشخصی از سوی مکتب کپنهاگ معرفی نشده است و موضوعات متنوع و گسترده‌ای در این خصوص مطرح می‌شوند، از جمله: بحران آب، گرمایش زمین، آب شدن یخ قطب‌ها، آلودگی هوا، شیوع بیماری‌های فراگیر و واگیردار و... (Trombetta, 2009, 586). در خصوص بعد امنیت زیست محیطی، بوزان<sup>۱۱</sup> و اولی وور<sup>۱۲</sup> تصریح می‌نمایند که یکی از ضعف‌های این بخش، عدم تقسیم‌بندی محیط زیست نامطلوب است که طیف وسیعی از ابزارهای موجود برای حل مشکلات زیست محیطی را محدود می‌کند، لذا باید مسائل امنیت زیست محیطی به بخشی از بحث سیاسی روزانه تبدیل شود. در این دیدگاه، امنیت محیط زیست در ارتباط با شرایط مخرب و تغییر دهنده محیط زیست بررسی می‌شود که این امر زمینه ساز تنش بین بازیگران خواهد بود. لازم به ذکر است که در این دیدگاه، امنیت زیست محیطی، خود شامل سطوح تصمیم‌گیری جهانی، منطقه‌ای، ملی و محلی است و پویایی بسیاری در اعمال کنش در این حوزه بر خلاف رویکرد سنتی، دولتی و سیاسی محور وجود

<sup>۸</sup> The Copenhagen School

<sup>۹</sup> Survival

<sup>۱۰</sup> Existential threat

<sup>۱۱</sup> Barry Gordon Buzan

<sup>۱۲</sup> Ole Wæver

دارد (Greager, 2016). در این مکتب مشکل امنیت ملی یک مشکل سیستماتیک می باشد که در آن افراد، دولت ها و سیستم، همه بخشی از یک کل را تشکیل می دهند. در این سیستم عوامل زیست محیطی همانند عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی مهم می باشند و در این صورت می توان مشکلات امنیت ملی را از زوایای مختلف تجزیه و تحلیل نمود (Stone, 2009). لازم به ذکر است، مسئله امنیتی نمودن در مسائل زیست محیطی نکته قابل تأمل دیگری است که مورد توجه این مکتب است که بر اساس آن ممکن است یک وضعیت غیرامنیتی به صورت یک وضعیت امنیتی درک شود. البته این امر مستلزم وجود یک بازیگر امنیتی ساز، تجهیزات لازم از جمله ابزار رسانه ای برای اقناع سازی و مخاطبان مهمی است که نیازمند پذیرش یک مسئله امنیتی می باشند. لازم به ذکر است باید موضوع که مورد نظر بازیگران است، ظرفیت امنیتی سازی شدن را داشته باشد و از اهمیت و ضرورت خاصی برای امنیت بازیگران برخوردار باشد. لذا در وضعیت آنتروپوسین، عصر کنونی و افزایش قدرت بشر و اثرگذاری آن بر طبیعت، امنیت زیست محیطی از جمله بحران طبیعی و غیرطبیعی و بیماری های واگیردار مسائلی هستند با ابعاد فراملی که با توجه به وابستگی متقابل واحدها و کنشگران سیستم نیازمند توجه سیستمی می باشند. در این قالب است که توجه به مقابله با این شکل از مشکلات به ویژه بیماری های فراگیر همچون سارس، مرس و کرونا و... در قالب یکی از بحران های امنیتی زیستی مورد توجه بازیگران قدرتمند و با توجه به گستره اثرگذاری بازیگر سطح دوم و سوم سیستم بوده و خواهد بود. برای نمونه اوباما<sup>۱۳</sup> رئیس جمهور سابق ایالات متحده، در استراتژی امنیت ملی خود (۲۰۱۰) به وضوح تصریح کرد: «بزرگترین تهدیداتی که، به عنوان چالش های کلان جهانی همه با آنها روبه رو هستیم: تغییرات آب و هوایی، بیماری های عفونی، کمبود انرژی، امنیت غذایی و آب و غیره می باشد. چالش های مذکور ماهیت جهانی دارند و برای مقابله و حل و فصل آنها همکاری جهانی ضروری است. لذا علم و پیشرفت علمی به عنوان عنصر ضروری در فعالیت های دیپلماتیک در درک و تقابل بهتر با بحران ها و چالش های مذکور اهمیت بسزایی دارد» (Rao, 2018). در این چارچوب بحران شیوع کرونا در سرا سر جهان، نشانگر آن بود که بحران امنیت انسانی در حوزه بهداشتی می تواند در

<sup>13</sup> Barack Hussein Obama

قالب جهانی تهدیدزا و هزینه‌بر باشد و هر گونه اقدام موفقیت‌آمیز در این حوزه که توسط بسیاری از کنشگران در قالب «امنیتی سازی» برای دستیابی به سود و منفعت شخصی اعمال شد، نیازمند توجه و تأکید و همکاری جهانی است.

کرونا، ویروسی است که اکنون در سطح جهانی گسترش یافته و بسیاری از نخبگان بر این نظر هستند که جهان پس از کرونا با جهان پیش از آن متفاوت خواهد بود. در واقع، کرونا خانواده بزرگی از ویروس‌ها و زیرمجموعه کرونا ویروس است که از ویروس سرماخوردگی معمولی تا عامل بیماری‌های شدیدتری همچون سارس، مرس و کووید ۱۹ را شامل می‌شود. در دسامبر ۲۰۱۹ نیز، برای اولین بار در شهر ووهان استان هوبئی چین، پس از اینکه مردم بدون علت مشخصی دچار سینه‌پهلو شدند و واکسن‌ها و درمان‌های موجود مؤثر نبودند، نوع جدیدی از کروناویروس با همه‌گیری در انسان شناسایی شد. از میان نخستین افرادی که به این ویروس آلوده شده‌اند، مشخص شد که دو سوم آنها با بازار عمده‌فروشی غذاهای دریایی هوانان، که در آن حیوانات زنده نیز به فروش می‌رسد، ارتباط داشته‌اند (<https://www.nfid.org/2019/11/09>). پس از ابتلای افرادی در بیش از ۱۲۰ کشور جهان به ویروس کرونا، در نهایت سازمان بهداشت جهانی را بر آن داشته است که این بیماری به شدت مسری را بیماری همه‌گیر جهانی (pandemic) اعلام نمود.

بحران کرونا، به عنوان یک بیماری فراگیر جهانی که در همه نقاط جهان و در همه حوزه‌های بشری امنیت روحی و جسمی انسان‌ها را تهدید نمود، وضعیتی از تناقض و یا تقابل با سیستمی را ایجاد نمود که بشریت به ادامه روال عادی زندگی در آن عادت نموده بود. این شکل از برخورد متناقض و پیش‌رونده را در اندیشه هگل<sup>۱۴</sup> به خوبی می‌توان درک کرد، وضعیت ثبات نظام قبل از کرونا را می‌شود در قالب «تز» درک نمود. وضعیت باثباتی و یا کنونی که با نیروهای مخالف رو به رو خواهد بود. وضعیتی که کرونا ایجاد نمود وحشتی که در میان روح و جان انسان‌ها و دولتمردان انداخت، آن‌ها را از ادامه روند و جریان عادی زندگی حاکم بازداشت را می‌توان «آنتی تز» بیان نمود. در نهایت آنچه در جهان پس از آن شاهد خواهیم بود، وضعیت «سنتز» خواهد بود. وضعیتی که قطعاً تفاوت‌های مشخصی با نظام گذشته (تز) خواهد داشت. با اینکه خود

<sup>14</sup> Georg Wilhelm Friedrich Hegel



تزی خواهد بود برای وضعیت تکاملی و حرکت به سوی شکل دیگری از وضعیت وجودی، ولیکن تحول اساسی در آن چشمگیر خواهد بود زیرا انسان‌ها و دولت‌ها به عنوان بازیگران اصلی سیستم جهانی دیگر همچون گذشته رفتار نخواهند کرد. در خصوص وضعیت جهان پسا کرونا، نظرهای مختلفی مطرح شده است که به چند مورد از نخبگان علمی و سیاسی در این راستا اشاره می‌شود. ایکنبری<sup>۱۵</sup> در این خصوص معتقد است، «در کوتاه مدت، نظرات مختلفی در خصوص استراتژی جهانی غرب مطرح خواهد شد و نظرات ناسیونالیستی و ملی‌گرایی فضایی برای نظرات خود خواهند یافت. در واقع با ایجاد آسیب‌های جدی و فروپاشی در وضعیت اقتصادی و اجتماعی جهانی، شاید نظری غیر از ناسیونالیسم و جدایی استراتژیک دشوار باشد. با این حال، لیبرال دموکراسی احساس خطر خواهد کرد و در طولانی مدت از پوسته خود خارج خواهد شد و نوع جدیدی از بین‌المللی‌گرایی عملی و محافظ را ارائه خواهد کرد، که مبتنی بر «سود پایین‌تر، اما ثبات بیشتر» است. نای<sup>۱۶</sup> نیز بر تغییر و تحول در استراتژی بازیگران در عصر کرونایی و پس از آن تأکید داشت و بیان نمود: «در سال ۲۰۱۷، ترامپ<sup>۱۷</sup> رئیس‌جمهور آمریکا، استراتژی جدید امنیت ملی را اعلام کرد که بر رقابت بزرگ قدرت‌ها متمرکز است. اما ویروس کرونا نشان داد، این استراتژی ناکافی است. حتی اگر ایالات متحده به عنوان یک قدرت بزرگ غالب شود، نمی‌تواند به تنهایی از امنیت خود محافظت کند. برای داشتن قدرت تنها سلطه به سایر کشورها اهمیت ندارد، بلکه در وضعیتی که هر کشوری منافع ملی خود را در اولویت قرار می‌دهد، تعریف قدرت در تعامل با دیگران مهم است». هاس<sup>۱۸</sup> همچنین اشاره دارد، «هیچ چیز قطعی وجود ندارد، اما من فکر می‌کنم که بحران کرونا ویروس حداقل تا چند سال منجر خواهد شد که بیشتر دولت‌ها به سمت عرصه داخلی گرایش داشته باشند و بر مرزهای ملی خود تمرکز نمایند. همچنین در عرصه داخلی موضوعاتی مانند مخالفت با مهاجرت در سطح گسترده، تلاش برای ایجاد خودکفایی انتخابی، لزوم مقابله با تهدیدات زیست محیطی و توجه به برخی مشکلات جهانی به صورت فراملی مطرح خواهد شد. از

<sup>15</sup> G. John Ikenberry

<sup>16</sup> Joseph S. Nye

<sup>17</sup> Donald John Trump

<sup>18</sup> Richard N. Haass

سوی دیگر در وضعیت پسا کرونا، نظام جهانی شامل دولت‌های شکست خورده بسیاری خواهد بود و تنش بین چین و آمریکا وضعیت دشواری را تجربه خواهد کرد. این در حالی است که، انتظار می‌رود در حوزه امور بهداشتی و بیمارهای عفونی، حکمرانی جهانی بهداشتی شکل بگیرد» ( <https://foreignpolicy.com>, 2020 )

به صورت کلی می‌توان تحولات پس از وضعیت شیوع کرونا و ویروس، را به صورت مختصر در موارد زیر بیان نمود:

۱. نقش دولت‌ها در سطح داخلی و فراملی افزایش خواهد یافت و تلاش خواهند کرد در حوزه‌های مختلف زندگی جمعی که ارتباط مستقیمی با امنیت وجودی آن دارد نقش بیشتری ایفا نماید. این امر ممکن است در قالب همکاری با سایر نهادها و مؤسسات دولتی و غیردولتی و یا به صورت یکجانبه باشد.

۲. نوعی عقب نشینی از وضعیت جهانی شدن شکل خواهد گرفت زیرا تلاش برای ایجاد امنیت بهداشتی در سطح ملی و جلوگیری از تبادل کالا و افراد آلوده مدنظر قرار خواهد گرفت. در این قالب پذیرش و همکاری با دیاسپوراها و مهاجران مختلف ممکن است از سوی بیشتر کشورهای قدرتمند به ویژه در حوزه علمی و صنعتی با دشواری مواجه شود.

۳. دیپلماسی شهری به عنوان یکی از مراکز اصلی تعاملات بین مردم- مردم و دولت- مردم توجه بیشتری را به خود جلب خواهد کرد، زیرا در وضعیت بحران فراگیر، سیالیت هویتی و افزایش توجه به مردم در محورهای مختلف تصمیم‌گیری از ویژگی‌های سیستم جهانی در فرآیند مرحله‌ای کرونا خواهد بود.

۴. توجه به فراملی بودن امنیت و لزوم همکاری محافظه کارانه نیز از جمله مهم‌ترین تحولاتی خواهد بود که در عصر کرونا و پس از آن شاهد خواهیم بود. وضعیتی که در آن واحدهای سیاسی تلاش می‌کنند ضمن حفظ خودکفایی و استقلال در حوزه‌هایی که با امنیت وجودی آن‌ها در ارتباط است، تعامل و همکاری خود را با سایرین برای ایجاد امنیت ملی در کشور آن‌ها، برای رهایی از تبعات فراملی آن، به صورت هوشمندانه ایجاد و تداوم بخشند.

۵. از نظر داخلی، امنیت انسانی در حوزه بهداشتی مورد توجه واحدهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز خواهد بود و مدیریت بودجه ملی برای تولید و استقلال در حوزه بهداشتی مطرح و پیگیری خواهد شد. در همین قالب، توجه به تعامل و همکاری بهداشتی در

سطح جهانی با وضعیتی فراتر از مرزهای هویتی و گرایش های سیاسی، بخشی از امنیت و توازن سازی در حوزه بهداشتی تلقی می گردد که ممکن است در دستور کار کنشگران قدرتمند با سطوح مختلف قرار بگیرد.

۶. تمایل به ایجاد زندگی هوشمند، شهر نشینی جهانی و جایگزین نمودن ربات ها و دستگاه ها به جای انسان در بسیاری از مشاغل که نیازمند کاری یدی و نه فکری و مدیریتی است، در راستای دستیابی به اهداف مختلفی از جمله کاهش هزینه تعاملات کم سود، تقلیل وابستگی به دستمزد و ... شکل می گیرد. در واقع می توان اینگونه بیان نمود که دوران کرونا و ایجاد مسائل چون دورکاری، آموزش از راه دور، خرید و فروش اینترنتی و ... تمرینی از یک دوره زندگی هوشمند است که جهان پس از آن در قالب «پدافندهای امنیتی» کم و بیش مدنظر واحدهای سیاسی و قدرتهای مختلف خواهد بود.

۷. نظام نابرابری در حوزه اقتصادی، در نظام پسا کرونا همچنان ادامه خواهد داشت. با اینکه کمک های دولتی و نهادهای مردمی به مردم کم بضاعت، کمی از دشواری شرایط زندگی آنها را در این وضعیت می کاهد، ولیکن در وضعیت پسا کرونا با قشر عظیمی از نیروی انسانی بیکار روبه رو خواهیم بود که در وضعیت کرونا به دلایل مختلف شغل خود را از دست داده اند. برخی از این مشاغل از جمله مشاغل یدی ممکن است با نیروی کار هوشمند به صورت کلی محو شوند و یا نیاز به فعالیت در آنها به حداقل ممکن کاهش یابد که در این صورت، ایجاد اشتغال برای این قشر دشوار و فاصله و شکاف اقتصادی افزایش خواهد یافت.

۸. اقتصاد بین الملل به دلیل جریان رکود تورمی، سیر نزولی تجارت بین الملل، افول سرمایه داری لیبرال مبتنی بر رویکردهای منفعت طلبانه، اهمیت مضاعف اقتصاد دیجیتال و همچنین ظهور و فعالیت نهادهای خصوصی کوچک و ضعیف خواهد شد.

۹. نگرش معنوی در جامعه بر خلاف تمدن لیبرال دموکراسی غرب غالب خواهد شد. هویت های دینی امکان بروز و حضور خواهند داشت و نوعی نیاز به دعا و توسل و همچنین انتظار برای منجی که جهان را نجات بدهد شکل خواهد گرفت. مقام معظم رهبری در این خصوص فرمودند: « شاید در تاریخ بشر کمتر دوره ای اتفاق افتاده باشد که آحاد بشری، جامعه ی بشری در همه جای عالم، به قدر امروز احساس نیاز به یک منجی داشته باشند - چه نخبگان که آگاهانه این نیاز را احساس می کنند، چه بسیاری از

مردم که احساس نیاز می‌کنند ولی در ناخودآگاه خودشان - احساس نیاز به یک منجی، احساس نیاز به مهدی، احساس نیاز به یک دست قدرت الهی، احساس نیاز به یک امامت معصوم، احساس نیاز به عصمت، به هدایت الهی؛ در کمتر دوره‌ای از تاریخ، انسان این همه احساس نیاز به این حقیقت والا سراغ دارد. امروز بعد از آنکه بشریت مکاتب گوناگون و نحله‌های فکری گوناگون و مسلک‌های گوناگون را تجربه کرده - از کمونیسم تا دموکراسی غربی تا لیبرال دموکراسی رایج در دنیا؛ با این همه ادعایی که اینها دارند - احساس آسایش نمی‌کند؛ بشر با این همه پیشرفت‌های علمی حیرت‌آور که بکلی وضع زندگی را در جهان تغییر داده، احساس خوشبختی نمی‌کند؛ بشریت دچار فقر است، دچار بیماری است، دچار فحشا و گناه است، دچار بی‌عدالتی است، دچار نابرابری است، دچار شکاف طبقاتی بسیار وسیع است؛ بشر دچار سوءاستفاده‌ی قدرت‌ها از علم است؛ قدرت‌ها از علم سوءاستفاده می‌کنند، از کشفیات طبیعت سوءاستفاده می‌کنند، از توانایی‌های استخراج‌شده‌ی از طبیعت سوءاستفاده می‌کنند؛ بشر با این‌ها مواجه است؛ این‌ها موجب شده است که انسان‌ها در همه جای دنیا احساس خستگی کنند؛ احساس نیاز به یک دست نجات‌بخش کنند» (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۲۱ فروردین ۱۳۹۹).

۱۰. در عرصه داخلی و همچنین به ندرت خارجی، ممکن است امنیت بر آزادی تفوق یابد. لذا دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی فعال در حوزه امنیت بهداشتی به صورت فزاینده بر جریان زندگی مردم نفوذ خواهند داشت و اعمال قدرت خواهند کرد. به صورت کلی جهان در وضعیتی قرار خواهد گرفت که واحدهای سیاسی از سویی در مقابل مسائل امنیتی نوین، ملزم به ایجاد همکاری بین‌المللی و اتخاذ رویکرد منعطف خواهند بود و از سوی دیگر برای حفظ امنیت داخلی و حفظ استقلال ملی به کنترل‌سازی روی خواهند آورد و جامعه برای ایجاد امنیت به این رهایی از آزادی تن خواهند داد.

## ۲. دیپلماسی فرهنگی در شرایط تحول پایدار - بحران کرونا

دیپلماسی فرهنگی، شکلی از اجرای سیاست خارجی واحدهای سیاسی است که در حوزه مخاطب و هدف تفاوت اساسی با دیپلماسی سنتی دارد. دیپلماسی فرهنگی متشکل از دو بعد دیپلماسی و فرهنگ است. دیپلماسی «شامل روش‌ها، رویه‌ها و در

کل، اقدام‌هایی است که کشورها را در دستیابی به اهداف سیاست خارجی خود یاری می‌کند. بر این اساس دیپلماسی به مثابه‌ی ابزار سیاست خارجی عمل می‌نماید» (قدیمی، ۱۳۹۶: ۱۴۱). فرهنگ به نظر نای یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم است. فرهنگ «عبارت است از الگوی رفتارهای اجتماعی که به واسطه آن گروه‌ها، دانش و ارزش‌ها را انتقال می‌دهند و در سطوح چندگانه‌ای وجود دارد» (نای، ۱۳۸۷: ۱۴۲-۱۴۳). همچنین «فرهنگ مجموعه‌ای از شیوه‌هایی است که معنی را برای یک جامعه ایجاد می‌کند و الگوی رفتاری از انتشار دانش و ارزش‌ها است». نای فرهنگ‌ها را به سه سطح فرهنگ‌های جهانی، فرهنگ‌های قومی و فرهنگ‌های دیگر که تنها متعلق به افراد در دسته‌های خاص اجتماعی یا برخی از سازمان‌های کوچک است، تقسیم می‌کند. اگر ارزش جهانی در فرهنگ یک کشور وجود داشته و سیاست‌های آن توسط مردم در کشورهای دیگر پذیرفته شود، احتمال دستیابی به هدف به دلیل جاذبه و اعتماد به آن، که اثر قدرت نرم فرهنگی است، افزایش خواهد یافت. فرهنگ در اینجا به مواردی همچون ادبیات، فن‌آوری، آموزش و پرورش و فرهنگ معاصر، که بر سرگرمی‌های جمعی مانند موسیقی و فیلم توجه می‌کند، اشاره دارد. (Lin, 2017, 70 Hongtao)

فرهنگ در قالب زبان و ادبیات علمی، آیین و تشریفات زندگی جمعی، آثار هنری و فرهنگی، آثار باستانی و صنایع فرهنگی همگی می‌تواند منبعی باشد برای اعمال قدرت نرم توسط کنشگران جهانی. به گونه‌ای که کنشگر قدرت نرم تلاش می‌کند با استفاده از ابزارها و دستاوردهای جهانی شدن، جنبه‌ها و منابع فرهنگی خود را در عرصه عالمگیر تبلیغ نماید. دارا بودن منبع و پیشینه فرهنگی و تمدنی در یک کشور و یا ایجاد فرهنگی خاص که از مقبولیت و توجه بخش بسیاری از افکار عمومی جهانی برخوردار باشد، می‌تواند منبع مهمی باشد برای معرفی خود، اعمال نقش و رفتار در عرصه جهانی؛ به گونه‌ای که فرهنگ می‌تواند به بازیگر هویت بدهد، و با نفوذ در هویت دیگر بازیگران در تعریف آن‌ها از خودی و دیگری نیز تغییرات و تعدیلاتی را ایجاد نماید و در نهایت با ایجاد تحول شناختی رفتار کنشگران را متناسب با آنچه می‌خواهد مدیریت کند. بنابراین در بهره‌مندی از عنصر فرهنگ در قدرت نرم، کنشگر اعمال‌کننده این شکل از قدرت، در پی ایجاد هنجارها و رویه‌های رفتاری جهانی و ورای عرصه حاکمیتی، متناسب با اهداف و منافع خود است که در نتیجه موجب

افزایش قدرت هنجارسازی و جلوگیری از طرح و تقویت هنجارهای دیگری خواهد شد.

در این راستا دیپلماسی فرهنگی به عنوان یکی از عرصه‌های اعمال قدرت نرم از اهمیت بسزایی برخوردار است، کنشگری که بتواند مؤلفه‌های فرهنگی خود را با توجه به ویژگی‌های ذاتی مشترک همه بشریت ارائه دهد و آن را با سیاست خارجی و رفتارهای اعمالی خود در عرصه جهانی ادغام نماید، می‌تواند از مؤلفه‌های فرهنگی برای دستیابی کشور به اهداف و منافع خود بهره‌برد. در نظام کنونی که گفتمان، مبانی ارزشی، هنجاری و هویت‌ساز تعیین‌کننده ذهنیت کنشگران و در نتیجه دیکته‌کننده رفتارهای آن‌هاست، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند موجب ایجاد تصویر از خودی و دیگری، افزایش قدرت نرم، افزایش اشتراکات هویت‌ساز و معنا‌ساز و همچنین حل و فصل و تعدیل بحران‌های مشترک پیش رو بشریت شود.

در حال حاضر بسیاری از متفکران و سیاستمداران، محور روابط آینده جهان را روابط فرهنگی و اختلافات و اشتراک‌های تمدنی می‌دانند. ملت‌های امروز برای موفقیت بیشتر نیازمند شناخت عمیق‌تر از باورهای مذهبی و فلسفی دیگر فرهنگ‌ها و شیوه نگرش سایر ملت‌ها هستند. در این میان دیپلماسی فرهنگی به کشورها اجازه می‌دهد تا با استناد به عناصر فرهنگی و نفوذ خود به طور مستقیم با مخاطبان خارجی، مردم و افکار رهبران آنها در ارتباط باشند (سیمبر، مقیمی، ۱۳۹۳: ۹)، زیرا فرهنگ یک رویکرد چند بعدی است که بر روی درک متقابل تمرکز دارد (Kielanowicz, 2009, 6). لازم به ذکر است که، مراد از دیپلماسی فرهنگی، بهره‌مندی از فرهنگ و مولفه‌های آن به عنوان ابزار دیپلماسی در سیاست خارجی کشورها و در جهت دستیابی به منافع ملی می‌باشد. در واقع، کشورها نخست عناصر فرهنگی را به عنوان ابزار مهم سیاست خارجی تعیین نموده و سپس از طریق تأثیرگذاری بر طرز تلقی عمومی قرار داده و به اعمال و اجرای سیاست خود می‌پردازند (دهشیری، ۱۳۹۳: ۲۸).

دیپلماسی فرهنگی تلاش برای ارتقای سطح ارتباطات و تعامل میان ملل جهان با هدف طراحی و بنیاد نهادن تفاهم‌نامه‌ها و توافقاتی بر اساس ارزش‌های مشترک است. دیپلماسی فرهنگی معماری بزرگراهی دوطرفه به منظور ایجاد کانال‌هایی برای معرفی تصویر واقعی و ارزش‌های یک ملت و در عین حال، تلاش برای دریافت درست

تصاویر واقعی از سایر ملت‌ها و فهم ارزش‌های آنها است. کامینگز<sup>۱۹</sup> دیپلماسی فرهنگی را، «مبادله ایده‌ها، اطلاعات، هنر، نحوه زندگی، نظام ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات به منظور دستیابی به مفاهیم مشترک و تقویت تفاهم متقابل میان ملت‌ها و کشورها» تعریف می‌کند. با برداشتی تطبیقی از وجوه مشترک این تعاریف می‌توان چنین نتیجه گرفت که دیپلماسی فرهنگی روایت داستان یک تمدن برای صاحبان سایر تمدن‌ها با استفاده از ابزارهایی از جنس همان تمدن است؛ به عبارت دیگر، دیپلماسی فرهنگی آن‌گاه معنا و مفهوم واقعی خود را پیدا می‌کند که کشوری برای انتقال غنای نهفته در فرهنگ و تمدن خود با استفاده از سازوکارها و ابزارهایی از همان جنس به معرفی و انتقال آن به سایر ملل می‌پردازد (خانی، ۱۳۸۴: ۱۳۷) و آن را در سیاست خارجی خود لحاظ می‌کند.

باید اشاره داشت، دیپلماسی فرهنگی از ارزش‌های جهانشمولی نقش می‌گیرد که مورد قبول بیشتر ملت‌های دنیا است و مردم کشورهای مختلف را بهم نزدیک می‌کند. حال در این میان این هنر دولت‌هاست که بتوانند به میزان بالایی، منافع خود را در راستای ارزش‌های جهانشمول قرار دهند و منافع ملی خود را در میان مفاهیم جهانی، بازتعریف کنند (میرفخرایی و فیروزمندی بندپی، ۱۳۹۶: ۴۳۵). دیپلماسی فرهنگی اهداف صلح‌آمیزی را در پی دارد و یا حداقل منافع را در قالب نرم دنبال می‌کند. «مؤسسه دیپلماسی فرهنگی<sup>۲۰</sup>» اعلام کرده است که هدف نهایی دیپلماسی فرهنگی، ارتقاء صلح و ثبات از طریق روابط بین فرهنگی می‌باشد. (Norrman, 2013). زیرا زمانی که روابط فرهنگی مبنای تعاملات با شد هر گونه اطاعت‌پذیری و یا تقابلی به صورت نرم و بدون استفاده از ابزار خشونت‌آمیز جنگ سخت، با کمترین هزینه و بیشترین بهره خواهد بود. در دیپلماسی فرهنگی کنشگر با ابزار فرهنگی اعمال قدرت می‌نماید و کنشگر دیگر را بدون آگاهی و یا حتی با آگاهی خود، وادار به انجام خواسته‌های خود می‌نماید.

در این راستا با توجه به نقش و اهمیت دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی واحدهای سیاسی، در این پژوهش تلاش می‌شود فرصت‌ها و بایسته‌های اعمال دیپلماسی فرهنگی در وضعیت بحران کرونا به عنوان یک مسئله فراگیر در نظام

<sup>19</sup> Milton Cummings

<sup>20</sup> Institute for Cultural Diplomacy

آن‌تروپو سین مورد برر سی قرار بگیرد. در واقع، دیپلماسی فرهنگی در وضعیت بحران کرونا و همچنین سایر بحران‌های امنیت انسانی که از خصلت‌های نظام آن‌تروپو سین به شمار می‌آید، پل ارتباطی ارزشمند و سازنده خواهد بود که می‌تواند فرصت‌های قابل توجهی را برای واحدهای سیاسی در راستای کسب اهداف و منافع ملی فراهم نماید که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

### ۳. فرصت‌ها و ملزومات دیپلماسی فرهنگی در نظام آن‌تروپوسین: بحران کرونا

دیپلماسی فرهنگی به عنوان همکنشی در قالب قدرت نرم واحدهای سیاسی به دلیل اتکال بر تعاملات دولت-دولت و دولت-مردم و مردم-مردم، عناصر فرهنگی چون آموزش، علم، فناوری، محصولات و خدمات سنتی، مذهبی و قومیتی، در نظامی که کنشگران با تهدیدات جهانی رو به رو هستند، به واحدهای سیاسی این فرصت را می‌دهد که ضمن حفظ استقلال داخلی با هویت، نقش و فرهنگ سایر کنشگران نظام بین‌الملل آشنا شوند، خود را به دیگران معرفی، مسیری برای تعامل هدفمند فراهم و در ایجاد و تعریف رفتار جهانی در و در حکمرانی جهانی ایفای نقش نمایند.

**الف: ایجاد تغییرات شناختی در چارچوب ارائه تمدن، لازمه ایجاد و تداوم همکنشی**

این مهم را باید مورد اشاره قرار داد که شناخت و نگرش بازیگران از یکدیگر موجب تعریف «خودی و دیگری» و در نهایت نوع رفتار آن‌ها در قبال یکدیگر خواهد شد. دیپلماسی فرهنگی به دلیل ارائه یک تمدن در قالب‌های ابزاری مختلف کالا و خدمات در نظام آن‌تروپوسین، به تدریج امکان تغییرات شناختی را ایجاد می‌کند و این امر رسیدن به توافق‌ها، ائتلاف‌ها، همکاری و همگرایی برای مقابله با مشکلی جهانی و همکنشی سراسری در جهت اهداف مشخص همچون رهایی از ویروس کرونا را تسهیل می‌نماید، زیرا تفاوت شناختی ناشی از تفاوت در باور، ارزش فرهنگ و حتی ایدئولوژی است که واحدهای سیاسی را در قالب دیگری‌های هویتی برای یکدیگر متصور می‌نماید. این امر خود سرآغاز بسیاری از تنش‌ها و رفتارهای خشونت‌آمیز خواهد بود.

این قبیل از تفاوت‌ها، تفاوت‌هایی هستند که نمی‌توان انتظار داشت از طریق قدرت سخت و نظامی برطرف شود، همچنین این امکان نیز وجود دارد که تفاوت شناختی به تدریج باعث تفاوت در درک رفتار یکدیگر، بی‌اعتمادی و در نهایت تنش نظامی و



جنگ و آشوب با خسارت بسیار مادی و غیرمادی شود. زیرا هنگامی که تفاوت شناختی بر روابط و تعاریف کشنشگران از یکدیگر حاکم باشد، تمایلی میان نخبگان و حتی افکار عمومی برای مصالحه و رضایت به دلیل نبود اشتراکات تاریخی، هویتی، فرهنگی و ارزشی شکل نخواهد گرفت و لذا تفاوتها و فاصلهها افزایش می‌یابد. دیپلماسی فرهنگی با ابتناء بر ایجاد تعاملات هدفمند در سطوح مختلف موجب می‌شود ادراکات فرهنگی و ارزشی مشترک و همچنین ادراکات شناختی مشترک شکل بگیرد، در این صورت پیام‌های ارسالی میان کنشگران معانی مشترک را موجب می‌شود، تعاریف از خودی و دیگری متفاوت می‌گردد و تنش‌زدایی شکل می‌گیرد.

در وضعیت بحران کرونا که بیشتر واحدهای سیاسی تلاش نمودند درهای خود را به سوی بسیاری از واردات کالاها و انسان‌ها از سوی کشورهای دیگر ببندند و به تعامل در حوزه‌های محدود مبادرت نمایند، با بهره‌مندی از فضای مجازی و حقیقی، دیپلماسی فرهنگی می‌تواند از طریق ابزارهای گوناگون از جمله «رسانه‌های عمومی»، «ارائه ایده‌های نخبگان علمی و فرهنگی»، «ارائه ادبیات علمی، روانشناسی و دینی»، «ارائه سبک نوینی از زندگی جمعی و فردی»، «طرح فناوری‌های نوین ارتباطی و تعاملی» و همچنین «هنرهای زیباشناختی»، این امکان را به واحدهای سیاسی بدهد تا فراتر از «فراروایت و فرهنگ غالب جهانی»، که در وضعیت بحران رونا با مشکل «جهانی سازی» رو به رو شده است، تمدن، فرهنگ و ارزش‌های خود را ارائه دهند و در این وضعیت که هر کنشگری ممکن است ارزش‌های فرهنگی خود را در قالب ابزارهای مختلف دیپلماسی فرهنگی از جمله ارائه دیدگاه مشخص در مورد سبک زندگی، سبک رفتار فردی و جمعی، ارائه اطلاعات جامع پزشکی و اجتماعی، بهره‌مندی از هنر برای تبیین رفتارهای مشخص و در نهایت ارائه و تبیین نظام ارزشی خاص در بستر مشکلات مشترک برای رسیدن به عناصر و مفاهیم مشترک، به بازیگران دیگر عرضه نمایند، نقش بسزایی ایفا نمایند.

برای نمونه ایران اسلامی به عنوان کشوری که از فرهنگ غنی ایرانی و اسلامی برخوردار است، می‌تواند از این فرصت برای ارائه تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی به جهانیان بهره‌برد. مردم ایران در وضعیت مقابله با بحران کرونا با حضور در صحنه‌های مختلف نشان دادند دارای تمدنی غنی و مبتنی بر ارزش‌های انسانی و ستانه جهانی هستند که در هر فطرت بیداری نشانه‌ای از آن وجود دارد. مقام معظم رهبری

ضمن تبیین وضعیت موجود و لزوم بردباری در این شرایط، بر دستاوردها و فرصت‌های حاصل از این وضعیت توجه دارد: «این روزها مواجه هستیم با عارضه‌ی یک بیماری وسیع همه‌گیر بین‌المللی؛ این ویروس تقریباً در همه‌ی کشورهای دنیا مشغول گرفتن تلفات و [در حال] پیشرفت است». «این [بیماری] مصداق این آیه‌ی شریفه است: وَ لَنْبَلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ؛ هم با خودش خوف می‌آورد و یک عده‌ای واقعاً می‌ترسند، هم مسئله‌ی مشکل اقتصادی را به وجود می‌آورد، هم نقص اموال و انفس و ثمرات را همراه دارد؛ لکن بعدش خداوند می‌فرماید: وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ؛ اینجا هم صبر لازم است. صبر در اینجا یعنی کار درست انجام دادن، کار عاقلانه انجام دادند» (سخنرانی مقام معظم رهبری در نوروز خطاب به ملت ایران، ۳ فروردین ۱۳۹۹).

«مسئله یک مسئله‌ی گذرا است، ... تجربیاتی که ما در این زمینه به دست می‌آوریم و فعالیتی که مردم می‌کنند، دستگاه‌ها می‌کنند و در واقع یک رزمایش عمومی در این زمینه انجام می‌گیرد، این می‌تواند یک دستاورد باشد. اگر این دستاوردها را داشته باشیم، بلا برای ما تبدیل می‌شود به نعمت، تهدید تبدیل می‌شود به فرصت؛ که خوشبختانه من شنیدم در مردم هم از این قبیل همکاری‌ها و محبت‌ها زیاد هست. فرض بفرمایید که دکان‌دار بیرون دکانش در خیابان، شیر آب گذاشته و وسایل شوینده گذاشته که رهگذرها اگر مایلند بیایند آنجا دستشان را صابون بزنند -من باب مثال- خب این‌ها خیلی با اهمیت است. یا فلان پرستار، عروسی خودش را عقب انداخته برای اینکه بتواند به این کار برسد؛ یا بعضی‌ها کمک‌های مالی مثلاً در مجموع می‌کنند؛ این‌ها بسیار کارهای خوبی است. این در واقع یک رزمایش عمومی مردمی و دستگاه‌های ذیربط است (بیانات مقام معظم رهبری پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری، ۱۳ اسفند ۱۳۹۸).

ایشان ضمن تأکید بر نقش مردم در قالب عمومی در تبیین بخشی از سبک زندگی ایران - اسلامی که وجه مهمی از تمدن جامعه می‌باشد، در وضعیت دشواری نمایان شد و مایه عزت این کشور گشت اشاره داشتند: «قضیه‌ی این بیماری اخیر، [یعنی] کرونا، فداکاری‌ها به قدری چشمگیر بود که افرادی را که در خارج از این کشور هم هستند به تحسین وادار کرد؛ در درجه‌ی اول مجموعه‌های درمانی؛ پزشکان، پرستاران، بهیاران، مدیران، کارکنان حول و حوش بیمارستان‌ها. در کنار این‌ها مجموعه‌های مردمی

داوطلب، دانشجویان، طلب، بسیجی‌ها و عناصر گوناگون که رفتند در خدمت درمان و پرستاری از این بیماران قرار گرفتند، به یاری درمان‌کنندگان رفتند؛ همه‌ی اینها مابه‌ی عزت و آبرو است. مجموعه‌های پشتیبانی، کسانی که کارخانه‌های خودشان را، حتی بعضی خانه‌های خودشان را در اختیار تولید و سایل و امکانات مورد نیاز مثل دستکش یا فرض کنید که ماسک و از این قبیل برای بیماران یا برای عامه‌ی مردم، آحاد مردم قرار دادند. و...» سخنرانی مقام معظم رهبری در نوروز خطاب به ملت ایران، ۳ فروردین (۱۳۹۹).

در ادامه معظم له تأکید نمودند این موارد نشان از تمدن اسلامی است و باید در عرصه جهانی نمایش داده شود و ثبت شود: «اما در مورد این حادثه‌ی رایج کشور که حادثه‌ی کرونا است؛ خوب این یک ابتلای عمومی است، یک آزمون است؛ آزمون برای دنیا است؛ هم برای دولت‌ها، هم برای ملت‌ها؛ ... یک نکته این است که ملت ایران در این آزمون، خوش درخشید؛ ملت ایران در آزمون کرونا، در این بیماری عمومی که در واقع باید گفت این وبای مدرن، خوب درخشیدند. اولاً اوج این افتخار ملی متعلق است به مجموعه‌ی درمانی کشور که من بارها گفته‌ام، باز هم باید تکرار کنم عظمت کار این‌ها و ارزش فداکاری این‌ها را؛ ... یک خاطره‌ی خوشی از دستگاه و مجموعه‌های درمانی کشور در ذهن این ملت خواهد ماند؛ این یک خاطره‌ی خوشی است و در این دوره، جامعه‌ی پزشکی و پرستاری و جامعه‌ی درمانی کشور از خودش یادگار خوبی و خاطره‌ی خوبی را به جا گذاشت. در کنار اینها، داوطلبان، آن کسانی که جزو مجموعه‌های درمانی هم نبودند، اما داوطلبانه آمدند وارد این میدان شدند؛ ... در کنار اینها نیروهای مسلح که اذصافاً نیروهای مسلح از همه‌ی توان سازندگی خود و ابتکار خود استفاده کردند؛ حتی در زمینه‌ی علمی، حتی در زمینه‌ی مسائل کشفیات و ساخت و ساز و تولید امکانات بهداشتی و درمانی، از بیمارستان‌ها تا نگاهتگاه‌ها تا بقیه‌ی وسایلی که در اختیار نیروهای مسلح بود — بهترین بخش‌های خود را در خدمت این کار گذاشتند؛ توان سازندگی‌شان، توان ابتکارشان را در عرصه‌ی علم و عمل [گذاشتند]. بعد ظرفیت‌های جدیدی کشف شد، پیدا شد؛ معلوم شد ظرفیت‌های بسیار زیادی در داخل نیروهای مسلح و همچنین بیرون نیروهای مسلح وجود دارد که این ظرفیت‌ها را ما نمی‌شناختیم. این جوانهایی که می‌آیند در تلویزیون توضیح می‌دهند کارهایی را که

کرده‌اند، چیزهایی را که ساخته‌اند، این‌ها را غالباً ما نمی‌شناختیم؛ این ظرفیت‌های کشف‌شده‌ی جدید است.

و مردم؛ انصافاً مشارکت‌های مردمی هم، مشارکت‌های بسیار زیبا و صحنه‌های جالب و شگفت‌انگیزی را به وجود آورده که در همه جا هست؛ من چند مورد را بخصوص اسم می‌آورم. این به معنای این نیست که این چند مورد اختصاص دارند؛ نه، حالا اینها به بنده گزارش شده، اینها را من عرض می‌کنم: مثلاً در سبزوار، طرح «هر محله یک قربانی» شروع شده؛ اهل محل جمع می‌شوند یک گوسفند قربانی می‌کنند، به نیازمندان همان محل گوشت می‌دهند؛ این خیلی چیز لازم و مهم و کار جالبی است که این‌ها انجام می‌دهند برای اطعام نیازمندان. یا در یزد، مادر شهیدی با همکاری جمعی از بانوان که همراه کرده با خود عده‌ای از بانوان را، خانه‌های خودشان را تبدیل کرده‌اند به خیاط‌خانه که در این خیاط‌خانه‌ها ماسک تولید می‌کنند و مجانی در اختیار مردم می‌گذارند. یا در نهاوند، گروهی از بانوان که در زمان دفاع مقدس نان می‌پختند و برای جبهه می‌فرستادند، فعال شده‌اند برای مهار بیماری و کمک می‌کنند. در خوزستان، طلبان قرارگاه تشکیل داده‌اند و حتی داخل خانه‌های مردم را هم ضدعفونی می‌کنند. و... این‌ها البته گزارش‌های محدودی است که بنده حالا علی‌العجاله در اختیار داشتم؛ ولیکن صدها مورد شبیه این، بلکه هزارها مورد شبیه این در سرتاسر کشور به شکل‌های گوناگون وجود دارد. این مهم است که توجه کنیم این‌ها نشانه‌ی عمق فرهنگ اسلامی و رسوخ فرهنگ اسلامی در مردم ما است، در دل مردم ما است. بر خلاف خواسته و ادعای کسانی که بخصوص در این یکی دو دهه‌ی اخیر متأسفانه تلاش کردند که فرهنگ ایرانی تحقیر کنند، فرهنگ اسلامی – ایرانی را تحقیر کنند، برای اینکه مردم را متوجه فرهنگ غربی و سبک زندگی غربی بکنند، خوشبختانه این احساس تفکر اسلامی و فرهنگ اسلامی و زنجیره‌ی ارزش‌های اسلامی در مردم بسیار احساس قوی و راسخی است. متقابلاً، فرهنگ و تمدن غربی هم محصول خودش را نشان داد؛ آنچه در کشورهای غربی، در اروپا و آمریکا اتفاق افتاد – که خب بعضی از آنها را تلویزیون ما گفت، لکن بعضی از آنها هم در تلویزیون گفته نمی‌شود و اطلاعاتی است که به ما می‌رسد و ما می‌دانیم – محصول تربیت خود را نشان داد. یک دولتی ما سک متعلق به یک دولت دیگر را، دستکش متعلق به یک دولت دیگر را سر راه صادره کند و به طرف خودش ببرد که این در مورد چند دولت در اروپا و در آمریکا اتفاق افتاد. یا مردم

هر روز در ظرف مدت کوتاهی، در ظرف یک ساعت یا دو ساعت فروشگاه‌ها را تخلیه کنند، حرص بزنند برای خرید بیشتر که بروند یخچال‌ها و فریزرهای خانه‌ی خودشان را پُر کنند و دکان‌ها خالی بشود که قفسه‌های خالی را در تلویزیون‌های دنیا نشان دادند، و تلویزیون ما هم از آنها نقل کرد؛ یا کسانی برای چند دستمال توالت به جان هم بیفتند، یا کسانی برای خرید اسلحه صف بکشند، نشان داد که مردم صف کشیده‌اند بروند اسلحه بخرند، چون احساس خطر میکنند در این ایام که باید اسلحه داشته باشند؛ یا برای بیمارها اولویت قائل بشوند، بیمار پیر را معالجه نکنند؛ می‌گویند لزومی ندارد ما زحمت بکشیم و با این محدودیت، بیمار پیر و از کارافتاده و دچار مشکلات اساسی را معالجه کنیم؛ اینها حوادثی است که در آنجا اتفاق افتاده. بعضی‌ها از ترس کرونا خودکشی کرده‌اند، از ترس مرگ خودکشی کرده‌اند؛ اینها رفتارهایی است که برخی از ملت‌های غربی از خودشان نشان داده‌اند. این البته نتیجه‌ی منطقی و طبیعی فلسفه‌ی حاکم بر تمدن غربی است؛ [یعنی] فلسفه‌ی فردگرایی، فلسفه‌ی مادی‌گری، فلسفه‌های غالباً بی‌خدایی که اگر اعتقادی هم به خدا هست، آن اعتقاد توحیدی صحیح عمیق معرفت‌زا نیست. این هم یک مسئله است. من اینجا این را هم عرض بکنم که یکی از سناتورهای غربی در همین چند روز گفته بود که غرب وحشی زنده شده؛ این حرف آنها است. وقتی که ما می‌گوییم در غرب یک روح وحشی‌گری وجود دارد که با ظاهر آراسته و ادکلن زده و کراوات بسته‌اش منافاتی ندارد، بعضی‌ها تعجب می‌کنند و انکار می‌کنند؛ این را حالا خودشان می‌گویند که این، نماد زنده شدن غرب وحشی است (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)، ۲۱ فروردین ۱۳۹۹).

در این وضعیت که تمدن اسلامی توانسته است نمونه موفقی از هم‌کنشی خود را در عرصه داخلی به نمایش بگذارد و سبک زندگی اسلامی را مبتنی بر توحید، توکل، ایثار، انفاق، فداکاری و همدردی را نمایان سازد، دیپلماسی فرهنگی باید بتواند با اتکال بر تمدن اسلامی و تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان و هدف جمهوری اسلامی ایران در قالب ترکیب دو جهان مادی و معنوی با اولویت قدرت نرم افزاری، با ارائه آثار و ادبیات فرهنگی و هنری در چارچوب انواع رسانه‌های دیداری، شنیداری، و... همچون ایجاد روایت‌های مختلف از کمک‌های مؤمنانه به جامعه بشری، ایران اسلامی را معرفی

نماید و سبک نوینی از زندگی ارائه دهد که در شرایط در هم تنیده کنونی، تنها راهکار رهایی بشر از تهدیدات فراگیر و جهانی است.

### ب: دیپلماسی فرهنگی و امکان افزایش حضور در حکمرانی جهانی

در وضعیت سنتزی که در پساکرونا شکل خواهد گرفت، استانداردهای نوینی که محصول تغییر جزئی و کلی در استانداردهای حاضر و قدیمی بودند و یا به صورت نوین برای تعامل در عصر جدید با سازوکار نوین شکل گرفتند، تعیین کننده رفتارها و محدودیت‌ها و حوزه عملکردی بازیگران مختلف خواهد بود. در این فضا، بازیگران مختلف و واحدهای سیاسی به میزانی که توانسته باشند در تعریف استانداردهای بهداشتی و رفتاری پساکرونا مؤثر باشند، به همان میزان می‌توانند سهمی از حکمرانی جهانی داشته باشند. باید اشاره داشت در این وضعیت، بازیگران در نظام چندبعدی و چندمرکزی جهانی در حوزه‌های مختلف کنش به میزانی قدرتی که در تعیین الگوهای رفتاری، استانداردها و گفتمان غالب داشته باشند، نقش تعیین کننده خواهند داشت. اعمال دیپلماسی فرهنگی در قالب‌های مختلف از جمله ارائه آیین زندگی، فناوری و ادبیات علمی با توجه به وضعیت کرونا و ویروس، ضمن تبیین جلوه‌هایی از فرهنگ‌های مختلف در عرصه جهانی، این فرصت را در اختیار واحدهای سیاسی قرار می‌دهد که در تعریف استانداردهای زندگی جمعی در عرصه جهانی با سطوح مختلفی از همکاری حضور داشته باشند و برای همگرایی جهانی فعالیت کنند. وضعیت استانداردهای رفتاری و همکنشی در نظام جهانی پساکرونا با وضعیت قبل از آن متفاوت خواهد بود و سطح، عمق و کیفیت تعاملات میان بازیگران دولتی و غیردولتی تغییرات اساسی خواهد داشت. بازیگرانی که در این وضعیت استانداردهای رفتاری ارائه دهند که از مقبولیت جهانی برخوردار است و مورد پذیرش جامعه علمی قرار بگیرد، می‌تواند تعیین کننده قاعده رفتار ساز آتی باشد.

در تلاش برای رهایی از وضعیت بحران همه گیر کرونا، با هدف حضور فعال در حکمرانی جهان، ایجاد یک استراتژی مبتنی بر فعالیت‌های نوین در راستای اثرگذاری بر استانداردهای بین‌المللی نوین که متکی بر قدرت تعامل سازی می‌باشد از اهمیت بسزایی برخوردار است. دیپلماسی فرهنگی به واحدها امکان حضور نرم و نفوذ در

عقاید و اندیشه‌های رفتارساز، طرح استراتژی جهانی، ایجاد تعامل هدفمند و اعمال قدرت را ارائه می‌دهد. زیرا نظام جهانی و بازیگران آن، اکنون در وضعیتی پیچیدگی و آشفتگی قرار دارند که قدرت با تأکید بر تسلط و هدایت «روح انسانی»، «ذهن جمعی» و «باورهای رفتارساز» معنا می‌یابد و دیپلماسی فرهنگی با ادبیات علمی و فرهنگی میتواند زمینه‌ساز این شکل از اعمال قدرت باشد.

البته باید اشاره داشت، با وجود فرصت‌های مذکور دیپلماسی فرهنگی در نظام آنتروپوسین کنونی، بازیگران نظام جهانی در صورتی می‌توانند در این شرایط موفق باشند که بر ملزومات مشخصی توجه نمایند. مهم‌ترین مورد، ایجاد استراتژی مبتنی بر تعامل در جهان نوینی است که بر مؤلفه‌های جهان شمول امنیت انسانی، باورهای اجتماعی و ارزش‌های معنوی استوار باشد و ضمن لحاظ نمودن قدرت و توازن قدرت در ایجاد و تعریف نقش و رفتار، بر قدرت معنوی مبتنی بر فرهنگ توجه لازم مبذول نماید. همچنین بازیگران سیستم باید بتوانند ساختارهای نوین تعاملاتی را متناسب با پوشش‌های محلی، منطقه‌ای و جهانی طراحی و اجرا نمایند، راهبرد ها، ائتلاف ها و جریان‌های نوینی را در عرصه کنونی به صورت هدفمند برقرار نمایند، بر تعامل و اعمال قدرت بر اساس رسانه‌های دیجیتال که اساس بسیاری از هم‌کنش‌های ملی و جهانی خواهد شد تأکید و سرمایه‌گذاری بیشتری نمایند و این اصل را سرلوحه اقدامات خود قرار دهند که «حکمرانی هوشمند» امروزه اساس ایفای نقش در حکمرانی جهانی است، که خود بر ایجاد و بهره‌مندی از هوش مصنوعی در کسب و تحلیل داده‌های علمی، پیش‌بینی تحولات با تجهیزات مدرن، هوشمندسازی شهرها، آموزش‌های دیجیتالی و سرمایه‌گذاری در تحقیقات علمی و فناوری متکی می‌باشد.

علاوه بر موارد فوق که از ملزومات دیپلماسی فرهنگی موفق در نظام کنونی و بحران جهانی همچون ویروس کرونا می‌باشد، باید اشاره داشت، با توجه به تحول در ماهیت تهدید در نظام آنتروپوسین، فعالیت و هم‌کنش‌های جدی، موفق و هدفمند در حکمرانی جهانی و ایفای نقش مطلوب سیستمی در آن مستلزم تعریف نوین از تهدید و طراحی پدافندهای بهداشتی است که دیپلماسی فرهنگی این امکان را به واحدهای سیاسی می‌دهد تا با اتکال بر استانداردهای نوین، تهدیدات امنیتی جدید را در حوزه‌های مختلف از سانی در بخش‌های زیستی-بهداشتی شناسایی و معرفی نمایند. نحوه تبیین چنین تهدیداتی برای سایرین به شکل یک اصل امنیتی و یا امنیتی شده،

ارتباط مستقیمی با مباحث فرهنگی، هویتی، تمدنی واحدها و سیاستمداران پرورش یافته در حوزه محدوده‌های تمدنی و جغرافیایی دارد.

همچنین دیپلماسی فرهنگی در ارائه تعریف و کاربرد ابزاری مختلف در راستای تقابل با مباحث امنیتی اثرگذار است. دیپلماسی فرهنگی به بازیگران سیاسی این امکان را می‌دهد که پدافند موفق خود را به اشتراک بگذارد و از تجارب دیگران بهره‌بردار. این امر در قالب تهیه و تولید کتاب‌های الکترونیک در این حوزه، همکاری و تعامل با سایر فعالان فرهنگی در کشورهای گوناگون، تأکید بر هم‌افزایی فرهنگی در ایجاد سبک زندگی سالم، ارائه اولویت‌های اخلاقی و رفتاری در نظام نوین رفتاری و همچنین تعیین ملاک‌های رفتار مطلوب و نامطلوب اعمال می‌شود.

### نتیجه‌گیری

نظام کنونی بین‌المللی در وضعیتی قرار دارد که با توجه به افزایش توان علمی، فناوری، تکنولوژیکی و نوآوری، انسان نقش بسزایی در ایجاد تحولات مثبت و منفی در آن ایفا می‌کند. در این وضعیت امنیت تنها در ابعاد نظامی تعریف نمی‌شود و مطابق مکتب کپنهاگ می‌توان امنیت را در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و همچنین زیست محیطی برشمرد. امنیت زیست محیطی امروزه یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که با امنیت وجودی بشریت در ارتباط است و موضوعات متنوعی را از جمله تغییرات آب و هوایی، کمبود آب و همچنین بیماری‌های فراگیر و عفونی را در برمی‌گیرد. در این فضا و به ویژه با وجود وابستگی متقابل امنیتی بازیگران در سیستم پیچیده و درهم تنیده جهانی، دیپلماسی فرهنگی به دلیل کارکرد مشخص آن در ایجاد تعامل، تعریف و بازتعریف هویت، خودی و دیگری، ارائه و اعمال نفوذ و قدرت نرم و همچنین ایجاد هم‌افزایی در موضوعات مشخص، نقش مهمی ایفا می‌کند.

امروزه جهان با یک بیماری فراگیر به نام کرونا، درگیر است که سیستم را در وضعیت تغییر و تحول گسترده و عمیق قرار داده است به نحوی که در قالب دیالکتیک هگلی در نظام پساکرونا، با سنتز جدیدی روبه‌رو خواهیم بود که با تز قبلی تفاوت بارزی دارد. این تفاوت‌ها در بخش‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و به صورت بارزتری در حوزه اجتماعی رخ می‌دهد و ما با جهانی روبه‌رو خواهیم بود که در آن دولت‌ها قدرت بیشتری برای اعمال نفوذ و اثرگذاری بر مردم خواهند یافت، فعالان بزرگ



اقتصادی در وضعیت فراز و فرود شدید و آسیب زنده خواهند بود، امنیت بر آزادی پیروز می شود و در نهایت معنویت و توجه به وجود منجی برای نجات بشریت بیش از گذشته مطرح خواهد شد.

در فرآیند کرونا، دیپلماسی فرهنگی به ویژه در قالب های اجرایی مختلف همچون تولید ادبیات، کالا و خدمات، ارائه ایده های نوین تعاملاتی و همکنشی در سطح فراملی، ملی و فراملی و همچنین طرح سبک و آیین زندگی بر اساس تمدن های هویت ساز می تواند این فرصت را به واحدهای سیاسی بدهد که نخست، با تعریف و تبیین درست و دقیق از هویت خود، تغییرات شناختی لازم را در اذهان مخاطبان خود ایجاد نمایند و به سوی همگرایی حرکت کنند. ایجاد تغییرات شناختی می تواند در قالب دیپلماسی فرهنگی و به صورت معرفی و ارائه تمدنی موفق در وضعیت تقابل با یک بحران جهانی، کرونا-ویروس، اعمال شود. نمونه این امر موفقیت تمدن نوین اسلامی در ترکیب موفق دو عرصه مادی و معنوی با همکنشی مردم و بازیگران دولتی در قالب همگرایی ملی در عرصه مبارزه با ویروس کرونا در کشور است که دیپلماسی فرهنگی مهم ترین ابزار ارائه جهانی این موفقیت تلقی می گردد. از سوی دیگر دیپلماسی فرهنگی، در قالب ارائه تمدن و همچنین سبک زندگی موفق می تواند در ارائه استانداردها و ارزش های رفتار ساز نظام پسا کرونا نقش داشته باشد، زیرا سنتز جدید و یا تزی که در آینده خود با آنتی تزه های متنوعی ممکن است رو به رو شود، استانداردهای جدیدی را شامل می شود که متناسب با آن انسان ها و سایر بازیگران همچون گذشته اهداف، راهبرد و همکنشی خود را تعریف نمی کنند.

برای طراحی و اعمال دیپلماسی فرهنگی موفق در فرآیند کرونا، پیشنهادهایی ارائه می شود. از جمله آنکه در گام نخست واحدهای سیاسی باید در جهت ایجاد فضای زندگی هوشمند حرکت کنند. دوم آنکه بازیگران قدرت خود را در قالب شکل نوینی از تعاملات تعریف و اجرا نمایند و بر قدرت رابطه ای بیش از گذشته تمرکز نمایند. در گام سوم طراحی استراتژی تعاملاتی نوین مبتنی بر اهمیت روح انسانی پیشنهاد می شود. همچنین بهتر است بازیگران در قالب زندگی هوشمند، تمدن خود را در قالبی از مبانی گفتمانی ارائه دهند که با ارزش های جهانی تطابق داشته باشد و بتواند مبنایی برای استانداردهای رفتاری در حکمرانی جهانی باشد، زیرا به میزانی که ارائه یک گفتمان محدود به یک فضای فرهنگی و ارزش های یک تمدن مشخص باشد ممکن است به همان میزانی با مقاومت جهانی برای پذیرش روبه رو شود.

### منابع

- خانی، محمدحسن (۱۳۸۴)، «دیپلماسی فرهنگی و جایگاه آن در سیاست خارجی کشورها»، دانش سیاسی شماره ۲.
- دهشیری، محمدرضا (۱۳۹۳)، «دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، چاپ اول، نشر علمی و فرهنگی کتیبه، تهران.
- صادقی، محمد مهدی (۱۳۹۸)، «بیانیه اکومدرنیسم (مدرنیسم محیط زیستی)» - <http://www.ecomodernism.org/persian>
- عبدالخانی، علی، «نظریه های امنیت»، ابرار معاصر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
- قدیمی، اکرم (۱۳۹۶)، «کارکرد دیپلماسی علم و فناوری در جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه سیاست، مجله حقوق و علوم سیاسی، دوره چهل و هفت، شماره یک.
- مقام معظم رهبری (۲۱ فروردین ۱۳۹۹)، «سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت ولادت حضرت امام زمان (عج)»، قابل دسترسی در:
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45317>
- مقام معظم رهبری (۱۳ اسفند ۱۳۹۸)، «بیانات مقام معظم رهبری پس از کاشت نهال در آستانه روز درختکاری»، قابل دسترسی در:
- <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=45076>
- مقام معظم رهبری (۳ فروردین ۱۳۹۹)، «سخنرانی مقام معظم رهبری در نوروز خطاب به ملت ایران»، قابل دسترسی در:
- <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=45225>
- مقیمی، احمدعلی و سیمبر، رضا (۱۳۹۴)، «منافع ملی و شاخصهای دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره چهارم، شماره اول.
- میرفخرایی، سید حسن و فیروزمندی بندپی، مجید (۱۳۹۶)، «دیپلماسی فرهنگی ایران در آسیای مرکزی و قفقاز؛ فرصتها و چالشها، مطالعات اوراسیای مرکزی»، دوره ۱۰، شماره ۲.
- نای، جوزف (۱۳۸۷)، «قدرت نرم: ابزارهای موفقیت در سیاست بین‌الملل»، ترجمه سیدمحسن روحانی و مهدی ذوالفقاری، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج، تهران.

– وایتزمن، ل مارتین (۱۳۹۵)، «مهندسی آب و هوای سیاره»، کتاب «۱۰۰ سال دیگر: اقتصاددانان پیشرو آینده را پیش بینی می‌کنند»، گردآورنده ایگناسیو پالاسیوس هوئرتا، انتشارات: دانشگاه ام آی تی.

– یوسف زاده، زینب، (مرداد ۱۳۹۷)، «آیا به پایان تاریخ نزدیک می‌شویم؟ آنتروپوسین؛ بیم‌ها و امیدها»، این مقاله در شماره بیست و دوم مجله «مداد» منتشر شده است. قابل دسترسی در: <https://www.medad.ca/4826/>

- Kiełdanowicz, Marta Ryniejska (2009), "Cultural Diplomacy as a Form of International Communication", Available at: [www.instituteforpr.org](http://www.instituteforpr.org)
- Lin, Li and Hongtao, Leng (2017) "Joseph Nye's Soft Power Theory and Its Revelation towards Ideological and Political Education", Humanities and Social Sciences: <http://www.sciencepublishinggroup.com/j/hss>.
- Monshipouri, Mahmoud (2020), "Diplomacy The post-coronavirus world order", Available at: <https://moderndiplomacy.eu/2020/04/20/the-post-coronavirus-world-order>.
- Norrman, Karl-Erik (2013), "Definitions, Ideas, Visions and Challenges for Cultural Diplomacy", Available at : <https://www.e-ir.info/2013/01/03/definitions-ideas-visions-and-challenges-for-cultural-diplomacy/>
- Rao, Jason E. (2018), "A career in science policy and diplomacy: from Banana Slug to diplomat", Editor Doug Kellogg, <https://www.molbiolcell.org/doi/10.1091/mbc.E18-03-0171>
- Sophie, Yeo (2016), "Anthropogenic: The journey to a new geological epoch", Available at: <https://www.carbonbrief.org/anthropocene-journey-to-new-geological-epoch>
- Trombetta, Maria Julia (2009), "Environmental security and climate change: analysing the discourse", Cambridge Review of International Affairs, 21:4, 585-602, DOI: 10.1080/09557570802452920.

- <https://foreignpolicy.com/2020/03/20/world-order-after-coronavirus-pandemic/> (2020), "How the World Will Look After the Coronavirus Pandemic-The pandemic will change the world forever", we asked 12 leading global thinkers for their predictions.
- <https://dictionary.abadis.ir/fatofa/2019/04/25>.
- <https://www.nfid.org/infectious-diseases/coronaviruses/2019/11/09>.